



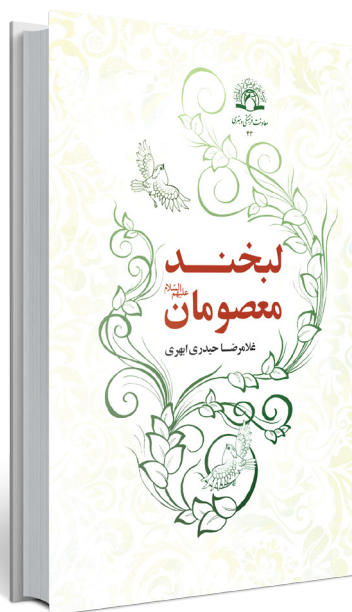
## تبسم‌های درس‌آموز

### یادداشتی در باره کتاب «لبخند معصومان (علیهم‌السلام)»

حسین پورشریف

معصوم ما، بسیاری از پیام‌های خود را با یک تبسم بیان کرده‌اند یا پیام خود را با لبخندی مهرآمیز قرین ساخته‌اند. این ویژگی، در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) از یک سو بیانگر اهمیت خوش‌رویی با مردم است و از سوی دیگر، حکایتگر روح بلند دین ماست. این عبارات، بخشی از نوشته‌های پشت جلد کتاب «لبخند معصومان (علیهم‌السلام)» است.

بنا بر نظر نویسنده کتاب، غلامرضا حیدری ابهری: «هدف از تهیه کتاب حاضر، آشنا ساختن خوانندگان محترم با برخی رفتارهای اجتماعی معصومان (علیهم‌السلام) بوده که با مطالعه این نوشته خواهند دید که چه درس‌های مهمی در رفتار به ظاهر ساده تبسم و لبخند اهل بیت (علیهم‌السلام) نهفته است و این لبخندها چه نکات ارزشمندی از مهربانی و خوش‌رویی و



«یکی از نکات برجسته در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)، خوش‌رویی آن بزرگواران است که در قالب لبخندهایی زیبا جلوه کرده است. پیشوایان

لبخند معصومان (علیهم‌السلام)، غلامرضا حیدری ابهری، قم: دارالحدیث، اول، ۱۳۹۴، ۱۰۴ ص.

گذشت و دمیدن روح امید در دیگران را در بر دارد» (ص ۱۱-۱۲).

طبق اطلاعاتی که در فیپای کتاب آمده، کتاب حاضر، قبلاً تحت عنوان «لبخند ستاره‌ها: حکایاتی از لبخندهای اهل بیت (علیهم‌السلام)» توسط

کم غلط یا حتی بی غلط است. با توجه به این که نگارنده این سطور، کل متن کتاب را به جهت معرفی و نقد آن، مطالعه کرده، غلط آشکاری به چشمش نیامد.

انتشارات «بهار دل‌ها» در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است.

نویسنده، کتاب را به چهارده معصوم بزرگواری که سطر سطر این کتاب به امید یک لبخند محبت‌آمیزشان نوشته شده است، تقدیم می‌کند.

قصد نویسنده این سطور، معرفی و نقد مختصر و مفید است، لذا سعی شده است که از پرگویی، پرهیز شود:

### نقاط قوت کتاب

۱. متن شسته-رفته، روان

و یک‌دستی دارد. نویسنده چون در این کتاب، ادعای داستان‌نویسی نداشته و تنها حکایات را گردآوری کرده و نکته‌های درون حکایات را بیان داشته، لذا توقع رعایت قواعد مربوط به داستان‌نویسی را هم از ایشان نداریم، هر چند این توانایی را در ایشان سراغ داریم. ۲. به جرئت می‌توان گفت که متن کتاب،

### ■ هدف از تهیه

کتاب حاضر، آشنا

ساختن خوانندگان

محترم با برخی

رفتارهای اجتماعی

معصومان (علیهم‌السلام) بوده

که با مطالعه این

نوشته خواهند دید

که چه درس‌های

مهمی در رفتار به

ظاهر ساده "تبسم و

لبخند اهل بیت (علیهم‌السلام)"

نهفته است ■

۳. کار خوبی که در صفحه‌آرایی کتاب انجام شده، این است که نکته‌های نویسنده کتاب، داخل ترام قرار داده شده و از بخش حکایت‌ها جدا شده است.

۴. طراح جلد نیز کار زیبایی ارائه کرده است. استفاده از گل و مرغ بر روی جلد و استفاده بخشی از آن در متن و شروع حکایات هر معصوم (علیهم‌السلام)، لطافت خاصی به کتاب داده است.

۵. در کنار هم قراردادن لبخندهای معصومان (علیهم‌السلام) در یک کتاب، کار

جالب و مفیدی است. مطمئناً نویسنده کتاب به دنبال لبخندهای دیگر این بزرگواران است تا در چاپ بعدی، آنها را به کتاب بیفزاید.

### نوشته‌هایی شبیه به نقد

۱. به غیر از سه حکایت از کتاب «ضحک النبی»، یک حکایت از «تبسم آفتاب» و یک حکایت از «میزان الحکمه»، تمام

حکایات کتاب، از «بحار الأنوار» نقل شده‌اند. نویسنده محترم می‌توانست از کتاب‌های دیگر و نیز متون کهن فارسی سود ببرد.

۲. با توجه به این که رعایت شیوه‌ای خاص در شکل ارائه کتاب، به آن زیبایی می‌بخشد، اما روشن نیست که چرا با وجود توانایی بسیار بالای نویسنده، بعد از اتمام برخی از حکایات، نکته یا نکاتی در خصوص آن حکایت، بیان نشده است؟!؛

۳. هرچند دقت شده است که تمام نکته‌های نویسنده کتاب، داخل ترام قرار داده شود، اما در یک مورد (ص ۱۸-۱۹) که همان حکایت را از زبان عبد الرحمان جامی نیز آورده، این نکته رعایت نشده است. البته باید یادآور شد که این شعر، بدون منبع هم بیان شده است!

۴. نویسنده در بخش‌هایی از کتاب (ص ۲۷ و ۵۶) در باره حدیث و حکایت، توضیحاتی را در پاورقی آورده است، در حالی که می‌توانست آن مطالب را نیز در قالب همان نکته‌های پایان حکایات بیاورد.

به تمام جوانان عزیز کشورم: خواندن این

کتاب را فراموش نکنید.  
در پایان، حکایتی از کتاب را با هم مرور می‌کنیم:

### عذرخواهی هنرمندانه

کمیت آسدی - شاعر توانای اهل بیت علیهم‌السلام - اشتباهی کرد و در مدح خلیفه ستمگر اموی، عبدالملک مروان شعری سرود. مدتی بعد، خدمت امام باقر علیهم‌السلام رسید. حضرت از کمیت گله کرد و فرمود: «آیا عبدالملک راستایش کرده‌ای؟!». کمیت عرض کرد: «من درستایش از او نگفتم: ای امام هدایت! بلکه گفتم: ای شیر! و شیر، درنده‌ای بیش نیست. گفتم: ای خورشید! و خورشید، موجودی است بی‌جان. گفتم: ای دریا! و دریا چیز بی‌روحی است. گفتم: ای مار! و مار، حیوانی است بدبو. گفتم: ای کوه! و کوه، سنگی است ناشنوا».

از پاسخ عذرخواهانه کمیت، لبخندی شیرین بر چهره امام باقر علیهم‌السلام نشست. آن‌گاه کمیت برای جبران اشتباه خود و دلجویی از حضرت باقر علیهم‌السلام شعری به یادماندنی درستایش اهل بیت علیهم‌السلام سرود.

### نکته‌ها

امام از غفلت یارانش در امور مرتبط با دین به آسانی نمی‌گذشت و در صورت اشتباه، به آنها صریحاً تذکر می‌داد. همچنان‌که عذرخواهی یاران خود را نیز سریع می‌پذیرفت (ص ۵۶).